



درس خارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مسئله پنجم
موضوع جزئی: ادله وجوب تقلید اعلم - دلیل سوم
سال دوم
تاریخ: ۳۰ مهر ۱۳۹۰
مصادف با: ۲۴ ذی القعدة ۱۴۳۲
جلسه: ۱۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در ادله وجوب تقلید اعلم بود و تا اینجا سه دلیل را بیان کردیم.

دلیل اول اجماع بود که مورد مناقشه قرار گرفت و دلیل دوم سیره عقلائیه بود که نتیجه‌ی دلیل دوم این شد که با سیره عقلائیه نهایتاً ترجیح قول اعلم ثابت می‌شود و تعیین قابل استفاده نیست. و دلیل سوم هم متشکل از یک صغری و کبری بود با این بیان که قول اعلم اقرب الی الواقع است و هر قولی که اقرب الی الواقع باشد باید اخذ شود و حجت است، نتیجه اینکه باید قول اعلم اخذ شود و حجت است.

محقق خراسانی هم به صغری و هم به کبری این دلیل اشکال کردند؛ اشکالی که به صغری داشتند این بود که اینکه مستدل می‌گوید قول اعلم اقرب الی الواقع است چه بسا فتوای غیر اعلم اقرب به واقع باشد و دو نمونه هم ذکر کردند و بر اساس آن دو نمونه نتیجه گرفتند که به هیچ وجه اعلییت ملازم با اقربیت به واقع نیست. در مورد کبری هم این گونه اشکال کردند اینکه مستدل می‌گوید اگر فتوایی اقرب الی الواقع باشد حتماً حجت است، این ممنوع است چون در فرض اینکه ملاک حجیت قول غیر، اقربیت الی الواقع باشد، این سخن درست است اما معلوم نیست ملاک حجیت، اقربیت الی الواقع باشد یعنی زیادت در قرب و بعد دخالتی در حجیت ندارد.

این اشکال به صغری و کبری دلیل سوم بود. عرض کردیم از این اشکال، مرحوم محقق اصفهانی شاگرد مرحوم آقای آخوند پاسخ داده‌اند.

پاسخ محقق اصفهانی در مورد صغری:

ایشان می‌گویند که ما دو نوع اقربیت داریم، یک اقربیت داخلی داریم و یک اقربیت خارجی. منظور از اقربیت داخلی همان گونه که از اسمش پیداست یعنی کاری به خارج از محدوده فتوای مجتهد نداریم؛ یعنی می‌خواهد بگوید ظن حاصل از فتوای اعلم قوی‌تر است از ظن حاصل از فتوای غیر اعلم. اگر ما این دو فتوا را با هم مقایسه کنیم بالاخره هر دو یک اماره می‌باشند و هر دو برای ما موجب حصول ظن هستند، ظنی که از قول اعلم برای ما پیدا می‌شود نسبت به ظن حاصل از قول غیر اعلم، قوی‌تر است و از آن جهت که به چیزی خارج از این دو فتوا کاری نداریم به آن اقربیت داخلی می‌گویند.

و منظور از اقربیت خارجی یعنی اینکه اگر فتوای مجتهد یا قول اعلم را نسبت به واقع بسنجیم این به واقع نزدیکتر است به عبارت دیگر در اقربیت داخلی فتوای اعلم با فتوای غیر اعلم سنجیده می‌شود لذا گفته می‌شود ظن حاصل از فتوای اعلم

قوی‌تر است از ظن حاصل از فتوای غیر اعلم اما در اقریبیت خارجییه فتوای اعلم با واقع سنجیده می‌شود، می‌گویند فتوای اعلم اقرب به واقع.

با عنایت به این مقدمه، محقق اصفهانی می‌گوید: مستدل که می‌گوید فتوای اعلم اقرب الی الواقع است منظورش اقریبیت داخلیه بوده و می‌خواهد بگوید ظن حاصل از فتوای اعلم اقوی است از ظن حاصل از فتوای غیر اعلم اما اشکالی که مرحوم آقای آخوند کردند بر مبنای اقریبیت خارجییه است چون ایشان اشکال کردند که چه کسی مدعی شده که فتوای اعلم همیشه به واقع نزدیکتر است و چه بسا فتوای غیر اعلم به واقع نزدیکتر باشد. پس اساس جواب محقق اصفهانی بر این است که مستدل بر اساس اقریبیت داخلیه استدلال کرده و مجیب بر اساس اقریبیت خارجییه اشکال کرده است و این دو با هم متفاوت است.

مرحوم محقق اصفهانی در توضیح این مسئله و بیان سخن مستدل می‌گوید که مستدل مدعی است که ظن حاصل از فتوای اعلم قوی‌تر از ظن حاصل از فتوای غیر اعلم است و نمی‌خواهد بگوید ظن حاصل از فتوای اعلم به واقع نزدیکتر است. به این بیان که وجه حجیت فتوا این است که این فتوا مفید ظن است و البته ظن به واقع، طریق الی الواقع است. پس ملاک در حجیت، مطلق ظن به حکم خدا نیست بلکه ظن حاصل از فتوا و مستند فتوا ملاک است یعنی اینگونه نیست که اگر مکلف ظن پیدا کند ولو به غیر استناد به فتوای مجتهد باز هم این ظن حجت باشد، بلکه باید این ظن مستند به یک فتوا باشد و ظن حاصل از فتوای اعلم و مستند به فتوای اعلم قوی‌تر است از ظن حاصل از فتوای غیر اعلم. مستدل نمی‌خواهد بگوید ظن به واقع ملاک است که شما بگویید اقرب الی الواقع ممکن است فتوای غیر اعلم اقرب الی الواقع باشد، ملاک، اقریبیت خارجییه نیست بلکه ملاک حجیت ظن مستند به فتوا می‌باشد. اگر می‌گوید فتوای اعلم اقرب الی الواقع است یعنی می‌خواهد بگوید ظن حاصل از فتوای اعلم قوی‌تر است نه اینکه مطلق الظن ولو غیر مستند به واقع اگر نزدیکتر به واقع بود حجت است.

لذا نظر مستدل به اقریبیت داخلیه و قوی‌تر بودن فتوای ظن حاصل از فتوای مجتهد اعلم نسبت به ظن حاصل از فتوای مجتهد غیر اعلم می‌باشد و کاری به اقریبیت خارجییه و واقع ندارد چون نزدیک بودن به واقع در حجیت تأثیر ندارد. این اشکالی است که در ناحیه صغری کرده‌اند.

بررسی نقض‌های مرحوم آخوند:

اما نسبت به موارد نقض محقق خراسانی هم ایشان پاسخ داده‌اند؛ دو مورد به عنوان نقض از طرف مرحوم آخوند گفته شد که ایشان آنها را رد می‌کنند:

نقض اول: یک مورد آنجایی بود که فتوای غیر اعلم با اعلم اموات یکی باشد در این مورد مرحوم آخوند فرمودند فتوای غیر اعلم به نظر می‌رسد که به واقع نزدیکتر باشد. محقق اصفهانی در مورد این نقض می‌گوید که ممکن است از فتوای اعلم اموات ظن قوی‌تری پیدا شود، ولی یک مشکلی در اینجا وجود دارد و آن اینکه ظن حاصل از فتوای میت حجیت ندارد. مطلق ظن فایده‌ای ندارد و باید حجیت داشته باشد.

نقض دوم: اما نقض دومی که آقای آخوند فرمودند که اگر فتوای غیر اعلم مطابق با فتوای جمع زیادی از فقهای حلی باشد که همگی مخالف با فتوای اعلم هستند مانند اینکه اکثریت فقهاء در نقطه مقابل فتوای اعلم فتوا داده باشند، در این مورد هم فتوای غیر اعلم، اقرب الی الواقع است و این موجب تقویت ظن به آن می‌شود. این طبیعتاً باعث می‌شود که انسان بگوید که این فتوا ولو مربوط به غیر اعلم است، به واقع نزدیکتر باشد؛ محقق اصفهانی به این نقض هم جواب دادند این موافقت و مطابقت ناشی از یکسان بودن فهم و سطح درک و یکسان بودن مدارک آنهاست. مثلاً عده‌ی زیادی که از نظر استعداد و از نظر درک مستندات و ادله و مدارک در سطح متوسط باشند و در طرف دیگر اعلم که استعداداً قوی‌تر است باشد؛ اگر این تعداد زیاد به نظری رسیدند این تراکم و تکاثر افراد در ناحیه یک فتوا موجب این نمی‌شود که بگوییم نسبت به یک فتوا ظن قوی‌تری پیدا می‌کنیم که به واقع نزدیکتر هستند چون حد و اندازه آنها معلوم است.

بنابراین توافق این گروه با فتوای غیر اعلم کاشف از اقوی بودن دلیل و مدرک نظر آنها نمی‌کند. محقق اصفهانی می‌گوید اینجا را نباید با خبرین متعارضین قیاس کرد و شاید آنچه که در ذهن آقای آخوند مطرح بوده و این نقض را وارد کرده این است که اینجا را با خبرین متعارضین مقایسه کرده به اینکه اگر دو خبر متعارض در برابر هم داشتیم، اگر یک طرف شهرت روایی داشت این باعث می‌شود که ما این طرفی را که مستظهر به همراهی روایات بیشتری هست را مقدم کنیم. بله آنجا تعدد نقل و روایت در یک طرف موجب تقویت آن طرف می‌شود برای اینکه آنجا مقام نقل و حکایت است و وقتی یک داستان و مطلبی را یک نفر نقل کند و یا سی نفر طبیعتاً آن طرفی که دارای تکثر می‌باشد در ذهن انسان تقویت می‌شود. اما مسئله فتوا اینگونه نیست و مانند خبر نیست که اگر تعداد زیادی از فتاوا با آن موافق بود موجب رجحان و ترجیح این فتوا بر فتوای دیگر شود. لذا این نقض هم به نظر ایشان وارد نیست.

محصل فرمایش محقق اصفهانی:

بنابراین محصل فرمایش محقق اصفهانی در پاسخ به آقای آخوند که به صغری اشکال کرده بود، این می‌شود که صغرای این مستدل مشکلی ندارد. فتوای اعلم اقرب الی الواقع می‌باشد ولی منظور از آن همان اقربیت داخلیه است لذا اشکال آقای آخوند به اینکه چه بسا فتوای غیر اعلم به واقع نزدیکتر باشد و موارد نقض ایشان مردود است چون ملاک اصلاً واقع نبوده بلکه مراد ظن حاصل از فتوای اعلم در مقایسه با ظن حاصل از فتوای غیر اعلم می‌باشد.

پاسخ محقق اصفهانی در ناحیه کبری:

محقق اصفهانی به اشکال آقای آخوند در ناحیه کبری نیز پاسخ می‌دهند. کبری مستدل این بود که هر قولی که اقرب الی الواقع باشد حجت است و باید اخذ شود، اشکال مرحوم آقای آخوند این بود که اگر ملاک حجیت، اقربیت الی الواقع باشد، این سخن درست است ولی ما قبول نداریم زیادت در قرب و بعد تأثیری در مسئله حجیت داشته باشد. اگر ملاک حجیت اقربیت بود طبیعتاً قولی که اقرب الی الواقع است این حجت خواهد بود اما این برای ما معلوم نیست. محقق اصفهانی در پاسخ به مرحوم آخوند می‌فرماید.

اگر منظور این باشد که قرب به واقع اصلاً در حجیت دخالت و تأثیر ندارد، این قطعاً باطل است چون بر خلاف مبنای طریقت است. مبنای آخوند و مشهور در باب حجیت امارات، طریقت است آن وقت چطور می‌شود ما امارات را از باب طریق الی الواقع بودن حجت می‌دانیم اما در عین حال ادعا کنیم که اقریب الی الواقع هیچ تأثیری در مسئله حجیت ندارد؟ پس این احتمال که بخواهید بگویید قرب به واقع اصلاً در ملاک حجیت، دخالت ندارد، قابل قبول نیست. اگر مسئله طریقت مطرح شد خود به خود قرب به واقع در دل آن نهفته می‌باشد.

اما اگر منظور این باشد که قرب الی الواقع تمام ملاک نیست یعنی فی الجملة دخالت دارد و گویا مجموعه‌ای از ملاک‌ها در حجیت دخیل هستند که یکی از آنها اقریب الی الواقع می‌باشد. محقق اصفهانی می‌گویند اگر این احتمال باشد، هیچ مشکلی برای استدلال ما درست نمی‌کند چون فتوای غیر اعلم با فتوای اعلم ولو در سایر ملاکات مساوی باشند مثل اینکه فرض کنیم ملاک حجیت یک فتوا و یک اماره چهار چیز است که یکی از آنها مسئله قرب الی الواقع است حال اگر فرض کنیم فتوای افضل با غیر افضل در سایر ملاک‌ها مساوی باشند اما در مسئله اقریب الی الواقع قطعاً مساوی نیستند چون منظور از اعلم کسی است که در تحصیل احکام شرعیه از ادله قوی‌تر باشد و احاطه بیشتری نسبت به استنباط و ابزار آن داشته باشد.

پس بین اعلم و غیر اعلم فرق وجود دارد، این فرق اگر در هیچ جا نباشد در مسئله قرب الی الواقع هست. لذا محقق اصفهانی می‌فرماید اشکال کبروی مرحوم آخوند هم به استدلال وارد نیست چون اگر منظور از نفی دخالت اقریب الی الواقع این است که کلاً دخالت اقریب را نفی کنیم، این خلاف مبنای طریقت است و اگر هم فی الجملة بخواهد این دخالت نفی شود این لطمه‌ای به استدلال مستدل نمی‌زند و بالاخره هر چه باشد باز هم فتوای اعلم رجحان دارد چون حداقل در ملاک قرب الی الواقع از فتوای غیر اعلم قوی‌تر است.^۱

بررسی کلام محقق اصفهانی:

ما باید در این مقام داوری کنیم که کدام سخن درست است. آیا قول مستدل و دفاع محقق اصفهانی درست است و یا اشکالات آقای آخوند وارد بوده و این دلیل اثبات لزوم اخذ به فتوای اعلم را نمی‌کند.

بررسی اشکال محقق اصفهانی به مرحوم آخوند در مورد صغری:

به نظر ما این اشکال وارد نیست؛ ایشان بین اقریب داخلی و اقریب خارجی تفکیک کرد و فرمود که دو نوع اقریب داریم و گفت که فرمایش مستدل بر اساس اقریب داخلی است و اشکال آخوند بر اساس اقریب خارجی است در حالی که اینجا ملاک اقریب داخلی است و اگر این نباشد اصلاً حجیت معنی ندارد، این تفکیک ایشان به نظر صحیح نیست؛ ببینید ما وقتی می‌گوییم امارات حجیت دارند و مسلک ما در حجیت امارات، طریقت است، این طریقت یعنی طریق الی الواقع. وقتی که می‌گوییم طریق الی الواقع آیا نمی‌شود یک طریقی نزدیک‌تر باشد و طریقی دورتر باشد؟ وقتی مستدل می‌گوید قرب به واقع است واقعاً آنچه که از این جمله متبادر می‌شود چیست؟ آیا این تفکیک معنی دارد که از یک طرف بگوییم منظور مستدل

۱. بحوث فی الأصول، رساله اجتهاد و تقلید، ص ۵۳-۵۵.

این است که ظن حاصل از فتوای اعلم قوی‌تر است از ظن حاصل از فتوای غیر اعلم اما در عین حال منظورش این نباشد که این نزدیکتر به واقع است؟ وقتی شما از باب طریقت می‌گویید امارات حجت است و فتوا هم یک اماره می‌باشد، معنای طریقت در دلش اقریب الی الواقع نهفته است. در اینجا مستدل قطعاً نمی‌خواهد بگوید مطلق ظن اقرب الی الواقع است ولو از فتوای مجتهد حاصل نشود. آقای آخوند اصلاً در این مقام کاری به حجیت ندارد چون حجیت مربوط به بحث کبروی این استدلال است و ربطی به صغری ندارد. (قطعاً این منظور نیست). لذا به نظر می‌رسد اساس این اشکال محقق اصفهانی به آخوند که مبتنی بر این تفکیک است، منهدم می‌شود.

به علاوه غرض مرحوم آخوند این است که بگوید ما نمی‌توانیم ادعا کنیم که همیشه قول اعلم به واقع نزدیکتر است بلکه بعضی موارد ممکن است قول غیر اعلم به واقع نزدیکتر باشد؛ این هم سخن درستی است. بحث در نفی کلیت اقریب الی الواقع در فتوای اعلم است، این سخن هم درست است. و لذا این پاسخ محقق اصفهانی بر اشکال آقای آخوند به صغری وارد نیست.

بحث جلسه آینده: اشکال محقق اصفهانی بر اشکال آخوند به کبرای قیاس در جلسه آینده بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»